

گذار از جمهوری اسلامی؛ پلاریزه شدن جنبش سرنگونی

صفحه ۳

سیاوش دانشور

کمپین حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تپه و زندانیان
ترقی‌خواه:

دادگاهها را علنی کنید تا روشن شود چه

کسی باید بر صندلی مجرم بنشیند! صفحه ۶

بیانیه های ۱۴ معصومان و اپوزیسیون
مفلوک

صفحه ۷

آذر ماجدی

معنی دمکراسی، رأی فرد و دخالت
شهروندان در سرنوشت جامعه

صفحه ۸

منصور حکمت

چهل سال گذشت!

(به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ روز هجوم نظامی به کردستان)

صفحه ۱۱

رحمان حسین زاده

گزارش تکمیلی از دادگاهی کارگران هفت تپه در شوش

"کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم"

صفحه ۱۳

۵۰۵

مستقلی
کمونست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۵ مرداد ۱۳۹۸ - ۱۶ آگوست ۲۰۱۹

قامت استوار

جانباختگان ۶۷

رحمان حسین زاده

مرداد و شهریورماه هر سال نه تنها یادآور تلخ قتل عام وسیع زندانیان سیاسی، بلکه مهمتر یادآور ایستادگی، جسارت و مقاومت هزاران عزیز جانباخته با قامتی استوار در سخت ترین شرایط در مقابل نظام فاشیستی اسلامی است. هزاران قامت استوار مرگ را بر تمکین ترجیح دادند، تا پایه های "نه" گفتن به هیولای جمهوری اسلامی و بنیادهای جنبش سرنگونی این نظام را تحکیم بخشند. جنبش سرنگونی که این عزیزان از پیشکسوتان جسورش بودند، می‌رود به ثمر بنشیند، سران جمهوری اسلامی و "هیئت مرگ" و دست اندرکاران این

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



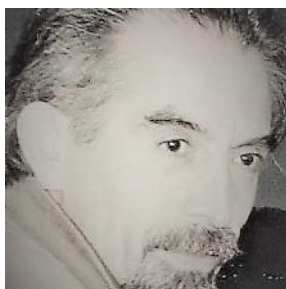
قامت استوار جانباختگان ۶۷

جوانان و مردمی که تابستان ۶۷ در چوخه های اعدامهای جمعی و شبانه در دسته های صدها و دهها نفره با پیکرهای شکنجه شده به قتل رسیدند، "جرمی" جز مخالفت با شکل گیری همین حکومت فقر و سرکوب و خفقان اسلامی نداشتند. اینها کمونیست ها و آزادیخواهان و مخالفین و مبارزینی بودند که در راه مقاومت در مقابل شکل گیری یک حکومت ضد بشری اسلامی جانباختند. خاوران از مراکز و بناهای مهم، بازگو کننده مقطع مهمی از تاریخ شکل گیری جمهوری اسلامی ایران، و گورستان عزیزان جانباخته راه سوسیالیسم و آزادی است. مبارزه ای که این عزیزان مبشر آن بودند، می‌رود به طوفان جارو کننده کلیت جمهوری اسلامی و همه دارودسته های "خوش خیم و بدخیم" این نظام مخوف سراپا جهل و جنایت و سرکوب تبدیل شود. جنبش توده ای دی ماه ۹۶ و استمرار اعتراضات رادیکال کارگری و توده ای تاهم اکنون و مهمتر پتانسیل فروش همه گیرتر و کوبنده تر کارگران، زنان و جوانان و مردم حق طلب برای تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی را در چشم انداز قرار داده است. امسال بیش از هر زمان دیگری باید تاکید کنیم، دور نیست آن روزی که سران جمهوری اسلامی و مهره های برپاکننده این نظام فاشیستی و جانین هیئت مرگ این قتل عام، امثال پور محمدی را که با وقاحت تمام به آن جنایات هولناک افتخار میکنند، به جرم کارنامه پر از قتل و کشتار همه دوران حاکمیتشان و از جمله قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ قطعاً به سزای اعمالشان میرسانیم.

هر ساله یادآوری قتل عام زندانیان سال ۶۷ عرصه مهمی از نبرد جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه علیه جمهوری اسلامی است. در داخل و خارج کشور با ابتکار و خلاقیت آکسیونها و اقدامات مبارزاتی لازم برای در تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی و صفحه ۵

هولوکاست اسلامی را محاکمه و به سزای اعمالشان برساند. سه دهه قبل به دستور خمینی جلاد و مشارکت همگانی حاکمین اسلامی از هر دو جناح، هزاران مخالف جمهوری اسلامی و کمونیست و آزادیخواه ظرف یک ماه مخفیانه اعدام شدند. اجساد این عزیزان با بولدوزر در بیابانهای خاوران زیر خاک مخفی شد، و به این ترتیب ظاهراً جمهوری اسلامی زندانها را از زندانی سیاسی خالی کرد! این قتل عام، مابه ازای داخلی قبول آتش بس در جنگ ایران و عراق و برای "پاک سازی" زندانها و ترساندن جامعه بود! سه دهه قبل خاوران بیابان گمنام و متروکی بود که سران جمهوری اسلامی فکر میکردند، دور از چشم مردم میتوانند آثار جنایت و کشتارشان را در آنجا پنهان کنند. اما دیری نپایید و خیلی زود این محل توسط مردم کشف و به گورستان آزادیخواهان و کمونیست ها منصوب شد. بیابان متروکی که قرار بود مخفیگاه آثار شکل گیری حاکمیت اسلام باشد، توسط صدها و چه بسا هزاران خانواده ای که در زیر تله های خاک بدنبال باقیمانده اجساد عزیزانشان میگشتند، کشف شد! از آن سال تا به امروز مبارزه ای بی وقفه برای زنده نگاهداشتن خاوران و جانباختگانش و آرزوی به زیر کشاندن و به محاکمه کشاندن سازندگان این هولوکاست اسلامی در جریان است. هر سال مخفیانه و آشکارا علیرغم فشار قداره بندان اسلامی خانواده قربانیان و مردم در این محل اجتماع کرده و یاد عزیزانشان را گرامی داشته اند. خاوران اکنون آشوبتس جمهوری اسلامی و نماد به محاکمه کشاندن سران جمهوری اسلامی و کیفر خواست مردم تشنه آزادی است. خاوران و کشتار زندانیان در سال ۶۷ چشم اسفندیار جمهوری اسلامی است. خاوران پابرجا و پایدار و کشتار سال ۶۷ یکی از مهترین سندهای جنایات جمهوری اسلامی است که سران جمهوری اسلامی باید در مقابل آن پاسخگو باشند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



“گذار از جمهوری اسلامی؛ پلاریزه شدن جنبش سرنگونی

سیاوش دانشور

برای تثبیت و گسترش اختیارات اوست، لذا از هر طرف بیایم باید خامنه‌ای استعفا دهد. خوب، با زبان خوش و خواهش شما استعفا نمیدهد، راهتان برای استعفای وی چیست؟ پاسخ؛ راه انداختن یک "حرکت مدنی و ملی" برای استعفای خامنه‌ای! مردم میگویند؛ "مرگ بر تزار"، "مرگ بر شاه"، "مرگ بر خامنه‌ای"، و شما میگویید؛ "خامنه‌ای چرا نصایح مشفقانه و دلسوزانه نخبگان را نمی‌شنود"؟ مکانیزم اولی قیام و انقلاب است و مکانیزم دومی جنبش مطالبه‌گری و اصلاحات. آقای نوری زاد با تاکید بر اینکه "ما که تفنگ نداریم"، پیشاپیش تفنگداران حکومتی را معاف کردند. ظاهراً مردم حق ندارند از خودشان در مقابل قوه صفحه ۴

بناچار جنبش سرنگونی را پلاریزه میکند. بعبارت دیگر، نیروهائی که در سرنگونی جمهوری اسلامی ذینفعند، بنا به اهدافی که از سرنگونی دنبال میکنند، لاجرم افقهای متناظر با سرنگونی و سیمای آینده جامعه را وارد جدال امروز میکنند. این گوشه دیگری از قطبی شدن سیاست در ایران بین دو کمپ وسیع‌تر اجتماعی چپ و راست است. ما با انتشار اولین نامه ۱۴ فعال سیاسی اعلام کردیم که این اقدام در قیاس با چهارچوب وضعیت سیاسی کنونی، اقدامی بمراتب عقب‌تر از اوضاع است. از نظر عملی مکانیزم استعفای خامنه‌ای و تغییر قانون اساسی، که بنا به اظهارات نویسندگان نامه قدرت تام در جمهوری اسلامی است، یا گذار از جمهوری اسلامی یا برگزاری فراندوم چگونه است؟ خامنه‌ای همه کاره است و قانون اساسی هم

در این پروژه و حرکت‌های مشابه، یک بستر وسیع سیاسی قابل مشاهده است که ماتریال خود را از جنبشهای راست بورژوائی ایران؛ جنبش ملی اسلامی و راست پروغرب میگیرد. دیروز راست پروغرب و ناسیونالیست‌ها و طرفداران رژیم سلطنتی با زبان و جارگن‌های ملی اسلامی‌ها سخن میگفتند و امروز اصلاح طلبان مغضوب و شکست خورده با زبان و جارگن راست پروغرب خود را بیان میکنند. اینها محصولات بعد از رویدادهای ۹۶ است. رویدادهای دیماه ۹۶ فصل نوینی را در سیاست ایران آغاز کرد که سرنگونی طلبی را به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل کرد. راست و چپ تصویر متفاوت خود را از سرنگونی و مضمون و معنای آن دارد و سیر تند شونده بحران سیاسی

بیانیه یا نامه ۱۴ "فعال سیاسی و مدنی" در دو ماه گذشته اخیراً با همین عنوان و توسط ۱۴ فعال زن با تغییراتی مجدداً منتشر شد که در اساس خواستار "استعفای علی خامنه‌ای، گذار از جمهوری اسلامی و یک حکومت سکولار و دمکرات" است. قبلتر بخشی از همین ترکیب بعد از رویدادهای دیماه نود و شش، "خواستار برگزاری فراندوم و گذر از جمهوری اسلامی به دموکراسی سکولار پارلمانی" شده بودند. این خواستها به اضافه تاکید بر مسالمت‌جویی و نفی هر عمل انقلابی، همینطور مالیخولیای "تمامیت ارضی"، وجه اشتراک این بیانیه‌ها است.

مزد برابر برای زنان و مردان در ازاء کار مشابه!

“گذار از جمهوری اسلامی”

پلاریزه شدن جنبش سرنگونی

قهریه دفاع کنند و اگر کردند متوسل به "خشونت" شده اند! **سرنگونی به روایت راست**

آنچه این بیانیه میخواهد، حال با هر زبانی که بیان شده است، نوعی سرنگونی است، روایت راست از سرنگونی است، تمایل بخش مهمی از بورژوازی ایران بشمول بخشهایی از حکومت و حاشیه حکومت به یک روند انتقالی و تغییر از بالا و حدالامکان بدون دخالت مردم است. آنچه که "مدیریت گذار" نامیده شده و یا "گذار از جمهوری اسلامی" میشود، دقیقاً به این معنی است که تغییرات در بالا نباید اساس ماشین دولتی و ارکانهای قدرت حاکمیت بورژوازی را مورد هدف قرار دهد. یعنی این کمپ راست، مستقل از رنگ پرچمها و اصل و نسب جنبشی‌شان، از موضع یک طبقه واحد سخن میگویند و در دوره انقلابی و کشمکش برسر سرنگونی رژیم اسلامی، به نیازها و منافع این طبقه پاسخ میدهند. سرنگونی و عناوین دیگر برای این کمپ یعنی اعاده نظم و حاکمیت طبقه بورژوازی ایران در شکل و ترکیب و هینتی جدید، اما با حفظ اساس نهادها و ارکان اصلی آن و تلاش بلافصل برای بازسازی آن. یعنی ایجاد یک دولت موقت ضد انقلابی بورژوازی که دستور کار اول آن بازسازی ماشین دولتی، اعاده وضع موجود و سرکوب مخالفین و جنبش انقلابی طبقه کارگر است. بیهوده نیست که خط در میان با عمل انقلابی و سرنگونی انقلابی تحت عنوان "خشونت" مرزبندی میشود و از دستگاه دین و نهادهای سرکوب و مافوق مردم مانند ارتش و سپاه و تقدیس مالکیت بورژوازی دفاع میکنند. سوال این نیست که اینها چه میخواهند، این روشن است، سوال اینست که اردوی انقلابی و کارگری جامعه با این تلاش چه برخوردی دارد؟

تا به لایه اصلاح طلب و دیروز پرو رژیم این طیف مربوط است، سرنگونی طلبی امروزشان و "گذار از جمهوری اسلامی"، نه محصول رادیکالیزه شدن آنها یا حاصل غور و تفحص در پوچ بودن تئوریهای اصلاح نظام دینی، بلکه محصول فشار جامعه برای سرنگونی است که اینان را به کمپ اخوی های راست در اردوی ناسیونالیسم پروغرب سوق داده است. دیگر شکوه و گلابیه دلسوزانه نخبگان از حاکمیت و نظامی که گوش شنوا ندارد و "دوست و دشمن" را از هم تمیز نمیدهد، بعنوان انتقادی درون خانوادگی از موضع بورژوازی ناسیونالیست و اصلاح طلب به "نظام

اجتماعی و سیاسی، استبداد فردی اجازه استقرار دولتی با اختیار و مجلس غیرفرمایشی و استقلال قوه قضائیه را نمیدهد، در مقابل اوضاع ملت‌هت و واقعی تاب نمی‌آورد و کفایت نمیکند. اما تا به سرنگونی‌طلبان راست برمیگردد، پروژه انتقال قدرت از بالا طی "مدیریت گذار از جمهوری اسلامی" دقیقاً تلاشی آگاهانه برای دفاع از نظم موجود و اعاده منفعت کل طبقه سرمایه دار ایران در این تحولات است. این یک صفتی در برابر هر پروژه انقلابی و هر روند انقلابی و زیر و رو کننده است. این اقدام نه اولین تلاش و نه آخرین تلاش در میان صفوف نیروهای بورژوازی ایران در سیر مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. امروز خط مشی توده ایستی بعنوان یک دیدگاه تحت عنوان "تحول طلب" صفحه ۵

“گذار از جمهوری اسلامی؛ پلاریزه شدن جنبش سرنگونی

در مقابل اصلاح طلب دینی که فقط از حکومت دفاع میکند، و امثال حزب چپ ایران، تلاش دارد در کنار راست پروغرب با همین فرمولهای بیانیه مذکور، روی این پروژه انتقالی کار کند. گارد باز و روی خوش حمید تقوایی نسبت به اهداف این تحرکات و تلاش برای توجیه و فرعی قلمداد کردن نکات بیانیه، نه تنها درکی پوپولیستی و راست بلکه هم آوائی و آوانس دادن به آن و ندیدن تلاش آگاهانه

این کمپ علیه سرنگونی انقلابی است. کارگران و اردوی انقلابی برای سرنگونی پروژه انقلابی و مستقل خود را دارند و برای پیشروی باید افق خود را بر مبارزه جاری برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی حاکم کنند. یک شرط لازم این پیشروی شکست کلیه نقطه سازشهایی است که در سیر مبارزه برای سرنگونی توسط جنبشهای طبقات دارا طرح میشود. دولت برآمده از این سرنگونی باید یک دولت موقت انقلابی با دستور کار

درهم کوبیدن ماشین دولتی و ارکان اساسی نظم کنونی و بسیج نیرو برای انقلاب کارگری و یک تحول بنیادی در نظم کاپیتالیستی باشد. کارگران و کمونیست‌ها "دولت با اختیار و پارلمان غیرفرمایشی و قوه قضائیه مستقل" نمیخواهند، افقشان از آینده بعد از جمهوری اسلامی با افق "جنبش نخبگان" فرق دارد. کارگران اساسا برای برپائی نظام جدیدی، روش زندگی جدیدی، سازمان اجتماعی جدیدی مبارزه میکنند که نفی نخبگی و الیتسیم یک محور آنست. نظام سیاسی شورائی و

سازمان سوسیالیستی نیازهای جامعه و دخالت مستمر و مستقیم شهروندان آزاد در مقدرات خویش، که نه فقط با افق جامعه مدنی و استبدادی و دمکراتیک بورژوائی تمایز اساسی دارد بلکه بر نفی و رفع آن متمرکز است. کارگران و کمونیست‌ها در روند سرنگونی انقلابی برای بسیج اکثریت عظیم جامعه بزیر پرچم راه حل کارگری برای آزادی جامعه تلاش میکنند.

قامت استوار

جانباختگان ۶۷

مراسمهای شایسته برای گرامیداشت جانباختگان سال ۶۷ تدارک دیده میشود. همه آزادیخواهان و مردم تشنه آزادی را به حضور در این آکسیونهای مبارزاتی و مراسمهای گرامیداشت هزاران عزیز جانباخته فرامیخوانیم.

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

کمپین حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تپه و زندانیان ترقی‌خواه:

دادگاهها را علنی کنید تا روشن شود چه کسی باید بر صندلی

مجرم بنشینند!

دادگاه رفقای ما را علنی در حضور مردم ایران اجرا کنید تا روشن شود چه کسی باید بر صندلی مجرم بنشیند! همراه محاکمه اسماعیل بخشی و حامیان کارگران هفت‌تپه در تهران، ۱۷ نفر از کارگران هفت‌تپه به جرم اعلام کیفرخواست علیه چپاول و دزدی سرمایه داران، در شوش محاکمه میشوند. وکیل مدافع اسد بیگی در مقام قاضی، ۷ نفر از کارگران را به ۸ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم و ۱۰ نفر دیگر از رفقایمان فردا در همان بیدادگاه محاکمه میشوند.

حامیان اسد بیگی با محاکمه هفت‌تپه ای‌ها می‌خواهند ما را از معلم و دانشجویان تا بازنشسته و کارگر، وادار به سکوت و در مقابل زور، فقر و بی‌عدالتی کنند. می‌خواهند نسل اندر نسل ما زیر شلاق آنها، برده وار کار کنیم، شب و روز را به هم بدوزیم تا کیسه آنها پر شود و ما و خانواده هایمان در فقر و استیصال زندگی کنیم. می‌خواهند کودکان ما و نسلهای بعدی ما، به وسعت ایران تنبیه شوند، تمکین کنند، به بالا شهری‌ها، به سرمایه داران و زدها و اختلاس‌گران احترام بگذارند و در مقابلشان به عنوان خدایان حاکم بر زمین سر تعظیم فرود آورند. اما ما کارگریم و نسل اندر نسل آموخته ایم که تنها راه زندگی شرافتمندانه و سربلند و انسانی، کوتاه کردن دست شما از دزدی و چپاول است. آموخته ایم نان، آزادی، رفاه و سعادت ما یعنی به خطر افتادن امنیت شما! ما این جرم را با افتخار تمام قبول میکنیم!

ما از هفت‌تپه و فولاد، تا هپکو و شرکت واحد، از پتروشیمی‌ها و نفت و گاز و خودروسازیه‌ها تا معادن، از کارگران بیکار و حاشیه‌نشین شهرها و هر جا که هستیم و نفس میکشیم، آموخته ایم که طبقه شما نه از عدالت و نه از انسانیت و نه از شرافت بوی نبرده است. رفقای ما جسورانه و علنا به بی‌عدالتی، به دزدی و چپاول شما اعتراض کردند. در خیابان و تجمع کارگری اعلام کردند نان، کار، آزادی، در مقابل مردم شهر شوش و اهواز فریاد زدند اداره شورایی! و شما جبونانه در پشت درهای بسته رفقای ما را محاکمه و محکوم به شلاق خوردن میکنید.

دادگاه رفقای ما را علنی در حضور مردم ایران اجرا کنید تا چهره واقعی ما و شما و عدالت ما و شما روشن شود. تا روشن شود چه کسی باید بر صندلی مجرم بنشیند! بدانید هر حکم شلاقی علیه کارگر هفت‌تپه، هر حکمی علیه ما و یاران ما، از جانب ما، فرزندان ما، خانواده‌های ما و طبقه ما، جواب میگیرد. ما بیش از هر زمان عهد بسته ایم که در کنار رفقایمان، در کنار اسماعیل‌ها و نجاتی‌ها و قلیانها، در کنار همه حامیان خود، متحد شویم و از کارگر در مقابل سرمایه دار و از حقیقت در مقابل پرونده سازی‌ها و دروغهای شما و از انسانیت در مقابل "عدلیه‌های" سرمایه داران، از برابری و آزادی انسان دفاع کنیم. ما را زندان کنید و علیه مان حکم صادر کنید، پیروزی از آن ما است.

کمپین حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تپه و زندانیان ترقی‌خواه

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ - ۱۴ اوت ۲۰۱۹

آزادی کامل و بی‌قید و شرط تشکل کارگران!



بیانیه های ۱۴ معصومان و اپوزیسیون مفلوک

آذر ماجدی

بتوانند بپرند وسط میدان.

مدعی هستند که ما کمونیست ها خیال پردازیم که از انقلاب کارگری سخن می گویم؛ ما کمونیست ها اهدافمان دست نیافتنی است؛ ما کمونیست ها پیمان روز زمین نیست! اما یک لحظه به این طرح های صد من یک غاز این جماعت فکر کنید! کدامیک عملی است؟ کدامیک

در صورت عملی شدن تغییری در زندگی مردم بوجود می آورد؟ فکر می کنند با حلوا حلوا کردن دهان شیرین می شود. پول و امکانات رسانه ای زیاد دارند اما آینده ندارند. مردم اینها را خوب می شناسند؛ همدستی شان طی چهل سال با این رژیم سرکوب، دزد و جنایتکار برای مردم رو است. یک اپوزیسیون بدنام، چه رژیم سابق، چه اصلاح طلب حکومتی؛ صفحه ۱۰

بزرگ کردن رژیم اسلامی بروند. این بار تقاضا نامه استعفای خامنه ای را تهیه کردند. چهارده معصوم اول تعدادی کم نام و نشان از ایران بودند؛ ما کمونیست ها در نطفه بسته بندیش کردیم. بعد سراغ ایرانیان خارج کشور رفتند. تا کنون چندین گروه ساخته اند. اما مشکل شان اینجاست که حنایشان دیگر رنگ ندارد. مردم اصلا تحویل نمی گیرند. یک پوزخند می زنند و رد می شوند.

همانقدر مستاصل اند که خاتمی. خاتمی ملتسمانه از مردم می خواهد که "انتخابات" را تحریم نکنند. اینها بیانیه می دهند که خامنه ای استعفاء بدهد. آخر کسی نیست از اینها بپرسد شما حالیان نیست یا مردم را احق فرض کرده اید؟ استعفای خامنه ای؟ چگونه؟ با چه نیرو؟ بعدش چی؟ اینها خود می دانند که این طرح پوچ و بی خاصیت است فقط میخواهند وقت بخرند؛ خودشان را در بازار نگاه دارند؛ از یادها نروند تا در روز مبادا

و چند رسانه دولتی با سرمایه های بالا نتوانسته اند ذره ای خود را در میان مردم جا کنند. ایده های بی خاصیت شان می آید و می رود. و هر بار تعداد بیشتری خود را افشاء می کنند. باید اذعان کرد که کار سختی دارند. باید بکوشند یا رژیم اسلامی را بشکل بزرگ کرده به مردم بیاندازند یا رژیم سابقی ها را که مردم طی یک انقلاب بزیر کشیده اند دوباره بر سر مردم سوار کنند. زهی خیال باطل!

بیست و چند سال کوشیدند مردم را با ایده اصلاحات سر کار بگذارند. بعد که با خیزش عظیم مردم و عروج جنبش کارگری مواجه شدند، گفتند "براندازی" تنها راه است؛ اما نه انقلاب! به کاخ سفید دخیل بستند؛ برای فتو شوت با پمپو به صف شدند؛ از ناسیونالیست پرو غرب تا ناسیونالیست قوم پرست. اما براندازی، بخوان رژیم چنج فعلا مسکوت گذاشته شده است؛ مجبور شدند دوباره بسوی

دریغ از یک جو ابتکار و تعقل! این دفتر "مدیریت گذار و براندازی" بدجوری کم آورده است. ایده رفرا دوم سریعا بایگانی شد، فتو شوت با پمپو و در کاخ سفید بیک مضحکه بدل شد، "چهارشنبه های سفید" فراموش شد، در نتیجه ایده استعفای خامنه ای را همینطور دارند کش می دهند. هر روز یک "۱۴ معصوم" جدید علم می کنند که از خامنه ای تقاضای استعفا دارند. ۱۴ هنرمند، ۱۴ نویسنده، ۱۴ زن از ایران، ۱۴ زن از خارج؛ ۱۴ معصوم بعدی از کجا سبز خواهند شد؟ لابد ۱۴ امام جمعه؟! اپوزیسیون مفلوک به این می گویند.

اپوزیسیون راست نزدیک به دو سال است که دارد به در و دیوار می زند که اقبالی در میان مردم پیدا کند. با این همه پول و امکانات



معنی دموکراسی، رأی فرد و دخالت شهروندان در سرنوشت جامعه

منصور حکمت

پاسخ به یک پرسش در جلسه پالتاک
هوشمند: با تشکر از آقای حکمت بخاطر وقتی که دادند، سؤال من اینست که برداشت و تعریف شما از دموکراسی چیست؟ آیا شما به دموکراسی متعارف در دنیا معتقد هستید یا نه؟
منصور حکمت: هوشمند عزیز ممنونم، راجع به دموکراسی من فکر میکنم که مفصل نوشته‌ام و اگر به این نوشته‌ها دسترسی ندارید، اگر یک آدرس بدهید حتماً برایتان میفرستیم.

بحثهای من راجع به دموکراسی روی سایتها پیدا میشود و همینطور در خود برنامه "یک دنیای بهتر"، آنطور که شما میگویید راجع به دموکراسی رایج در دنیا صحبت کرده‌ایم. ببینید، یک تصویری بخصوص در میان چپهای کشورهای عقب مانده، چپهای کشورهای فقیرتر

هست که گویا دموکراسی ظرف مترادفی است برای کلمه آزادی. در نتیجه آزادی یعنی دموکراسی و این تنها شکلی که آزادی میتواند به خودش بگیرد و از همینجاست که آگه کسی بگوید من دمکرات نیستم، معنی‌اش این میشود که لاجرم آزادیخواه نیست، مستبد و طرفدار استبداد است. در صورتی که دموکراسی کلمه‌ای مترادف آزادی نیست، کلمه‌ای است که در یک دوره اجتماعی معین، طبقه اجتماعی معینی برای معنی کردن آزادی به روایت خودش، بدست داده است.

دموکراسی پارلمانی یا دموکراسی بورژوائی شیوه‌ای است که این طبقه، که اساس جامعه‌اش را روی سودآوری سرمایه،

روی کار مزدی، روی وجود بازار، روی خرید و فروش گذاشته است و نیروی کار را هم به یک کالا تبدیل کرده است (آزادی را معنی کرده است)، این چنین جامعه‌ای نظام سیاسی‌اش را بر مقوله دموکراسی پارلمانی مبتنی کرده است و به آن میگوید آزادی. (این) آزادی است به این معنی که آن جامعه و آن طبقه (چنین) به آن نگاه میکند. معنی‌اش این نیست که تاریخاً فقط میشود اینطور به آزادی نگاه کرد، یا تاریخاً فقط اینطور نگاه کرده‌اند، یا سوسیالیستها موظفند اینطور به آزادی نگاه کنند.

سوسیالیستیم هم راجع به آزادی انسان تعریف دارد. منتهی بحث سوسیالیسم راجع به آزادی، اقتصاد را هم در بر میگیرد. و رابطه اقتصاد و سیاست را دقیقاً برقرار میکند. ببینید، من دمکرات به معنی دمکرات پارلمانی

نیستم، چون سیستم پارلمانی سیستمی نیست که به شهروندان قدرت را میدهد. سیستمی است که، برعکس، این قدرت را به تناوب از شهروندان میگیرد، و برای دوره‌هایی به کسان دیگری میدهد. به همین خاطر است که به آن میگویند دموکراسی نمایندگی یا دموکراسی وکالتی. این وکلا کسانی هستند که برای هر ۴ سال یک بار یا هر ۵ سال یک بار، در جوامع دیگر که فرض کنیم دموکراسی در آنها برقرار است، اختیار دخالت کردن در سرنوشت جامعه را به نیابت از توده میلیونی مردم میگیرند. هر چهار سال یک بار. و در آن دوره شهروند از طریق مکانیسم دموکراسی کوچکترین امکان دخالت در جامعه را ندارد، از طریق

صفحه ۹

به حزب حکمتیست پیوندید!

معنی دمکراسی، رأی فرد و دخالت شهروندان در سرنوشت جامعه

گرفته‌اند، پارلمان دارد. مَهر تأیید میزند. سیستم دمکراسی پارلمانی سیستمی است برای مشروعیت دادن به یک حکومت که قبل از پارلمان و مقدم بر پارلمان وجود دارد و آن حکومت طبقه حاکم است. حکومت طبقه‌ای است که از نظر اقتصادی حاکم است. به این اعتبار نه! من طرفدار دمکراسی پارلمانی نیستم. واضح است که دمکراسی پارلمانی را به حکومت ارتشی ترجیح میدهم، واضح است آنرا به استبداد سلطنتی ترجیح میدهم، واضح است آنرا به حکومت پلیس مخفی ترجیح میدهم. ولی فکر نمیکنم که سطح ما را اینقدر پائین بیاورند که این را بعنوان ایده‌آلمان در زندگی قبول کنیم. سوسیالیسم معنی آزادی برای ماست، و آلترناتیو ما در مقابل دمکراسی، سوسیالیسم است. اگر به این معنی تعبیر شود صفحه ۱۰

بباید. ولی سیاست چون در این نظام بی‌اهمیت است، مردم این کار را میکنند. علت اینکه دمکراسی پارلمانی، روی پای خودش میایستد، اینست که سیاست در این نظام بی‌اهمیت است. برای اینکه سیاست از پیش توسط مردم دانسته است، میدانند که سیاست دست ارباب قدرت است و میدانند که حتی مجلس هم مرکز قدرت نیست. شما ببینید شرکت بوئینگ که سی هزار نفر را اخراج میکند، از هیچ مرجعی رأی نمیگیرد، کنگره آمریکا نظر نمیدهد. ولی یک شهر بزرگ را مینندد. سی هزار نفر یک شهر، رقمی نسبتاً بزرگ است. بعد از آن فقر هست، محرومیت هست، مواد مخدر هست، خودکشی هست، راجع به هیچکدام از اینها مردم و نمایندگانشان نظر نمیدهند، رأی نمیدهند. بوئینگ مینندد. محافل حاکم بر جامعه راجع به اقتصاد تصمیمشان را

من از شما میپرسم، اگر بجای سیاست، موضوع اقتصاد بود، میگفتند بباید هر ۴ سال یک بار یک عده‌ای را انتخاب کنید، که بجای ما رفاہ داشته باشند، ببینیم هر ۴ سال یک بار عده‌ای را انتخاب کنیم که بجای ما مدرسه داشته باشند، هر ۴ سال یک بار کسانی را انتخاب کنید که آنها بجای ما دکتر بروند و طب شامل حالشان بشود. یا ببینید هر ۴ سال یک بار یک عده‌ای را انتخاب کنید که بجای ما غذا بخورند، هر ۴ سال یک بار عده‌ای را انتخاب کنید که بجای ما سکس داشته باشند... هیچکس این را قبول نمیکند. هیچکس، از این همه آدمهایی که دمکراسی پارلمانی را قبول میکنند، قبول نمیکرد که در آن ۴ سال اختیار زندگیش را در آن ابعادی که گفتم، از سرپرستی بچهاش، تا معاشش، تا رفاهش را بطور عملی دست کس دیگری بدهد، وکالت را در این موارد بسپارد به آن وکیل و برود ۴ سال دیگر

مکانیسمهای دیگر میتواند، که به آن می‌رسم. ولی، از طرق دمکراتیک نمیتواند در سرنوشت جامعه دخالت کند. اگر در فاصله این ۴ سال این حکومت اعلام جنگ بدهد، از شهروند نمیپرسند. اگر نرخ بهره را افزایش بدهد از شهروند نمیپرسند. اگر قانون بیمه‌های بیکاری را لغو کنند، نمیپرسند. اگر تصمیم بگیرند مدارس مذهبی درست کنند، از شهروند نمیپرسند. شهروند وکالت داده، آزادیش را برای مدت ۴ سال به کسان دیگری داده است. سر ۴ سال هم که می‌آیند، دخالتی از شهروند نمیخواهند، میگویند وکیل بعدیات را انتخاب کن. بیا بین انتخاباتهایی که احزاب سیاسی جلوی رویت گذاشته‌اند، یکی را انتخاب کن. و این آدمها را در این چهار سال بقدرت برسان.

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

بیانیه های ۱۴ معصومان و اپوزیسیون مفلوک

معنی دمکراسی، رأی فرد و دخالت شهروندان در سرنوشت

که سوسیالیسم به رأی فرد بها نمیدهد، چون دمکراسی شاخص حق رأی فرد است، خوب میگویم کسی که حب تبلیغات جامعه رسمی بورژوایی را قورت داده، اینطور میگوید. در حالی که ابدا اینطور نیست. تنها جنبشی که به معنی واقعی به فرد حق میدهد بطور مداوم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی اش، دخالت کند، سوسیالیسم است. توسط ایرج فرزند پیاده و مقابله شده است. از جلسه پرسش و پاسخ در پالتاک ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ برگرفته از سایت منصور حکمت

هر دو در دزدی و سرکوب ید طولایی دارند.

مردم از این رژیم بیزارند. رژیمی که دزدهای چند میلیارد دلاری را فراری می دهد و دزدهای چند هزار تومانی را شلاق می زند و دست و پایشان را قطع می کند. جانوری که در روز روشن با اسلحه زنش را دنبال کرده و با شلیک ۵ گلوله درجا به قتلش رسانده بعد از دو سه هفته آزاد می شود؛ کارگران و فعالینی که برای دستمزد های عقب مانده و حق تشکل مبارزه می کنند در سیاهچال اسیر و شکنجه می شوند. این یک نظام برده دارانه است. یک وصله ناجور به جامعه. با چه بزرگی می شود آنرا قابل قبول کرد؟ حالا فرض کنید خامنه ای هم بر فرض محال استعفاء داد، بعدش چی؟

مردم با تمام وجود می خواهند این رژیم را به زیر بکشند. مردم در عین حال می دانند که رژیم سابق دردی ازشان دوا نخواهد کرد. همان بساط بخور بخور و زندان و شکنجه ادامه خواهد داشت. قبلا امتحانش کرده اند. آزموده را آزمودن خطا است. مردم یک نظامی را می خواهند که بتواند یک جامعه آزاد، برابر و مرفه را برای همگان فراهم آورد؛ یک دنیای بهتر، یک دنیای خالی از فقر و فلاکت، خالی از سرکوب و زندان و شکنجه، خالی از تبعیض و نابرابری. و چنین جامعه ای تنها از طریق یک انقلاب کارگری قابل دستیابی است. از همین رو است که ما کمونیست های کارگری برای این هدف و آرمان مبارزه می کنیم.

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه
بیکاری مکفی برای تمام افراد
آماده به کار!**

کمونیست را بخوانید و به دوستانتان برسانید!

چهل سال گذشت!

(به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ روز هجوم نظامی به کردستان)

رحمان حسین زاده

دستور گذاشت. به منظور تحمیل حاکمیت سپاه و اسلامی خود، مضحکه "رفراندوم آری یا نه" به جمهوری اسلامی را سازمان داد. (مردم کردستان در مضحکه رفراندوم شرکت نکردند) حمله و کشتن مردم در ۲۳ تیر مریوان و دهها طرح و توطئه ارتجاعی دیگر را در سراسر ایران و کردستان به اجرا گذاشت. حاصل مجموعه این اقدامات و حمله نظامی به کردستان، در راستای سرکوب انقلاب و تحمیل حاکمیت بورژوا اسلامی مورد حمایت قدرتهای جهانی و ارتجاع محلی بود. اما این یک تصویر از تحولات مهم آن دوره است. تصویر مهمتر شکل گیری مقاومت و مبارزات توده ای و مسلحانه در دفاع از دستاوردهای آزادیخواهانه انقلاب ۵۷ و مقابله با تعرض جمهوری اسلامی به اراده مردم کردستان برای به دست گرفتن سرنوشت خود بود. عروج جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه در مقطع ۲۸

صفحه ۱۲

تازه به قدرت رسیده و ارتجاع محلی ظرفیت تحمل آن را نداشتند. به همین دلیل از همان فردای انقلاب ۵۷ هیئت حاکمه بورژوازی و ارتجاعی جدید با دولت موقت و بعدا غیر موقت آن و با همگامی ارتجاع مذهبی و مکتب قرآنی، و آخرین پس مانده های عشایر و فئودالها و قبیاده موقت علیه مردم کردستان و دستاوردهای پیشرو آن مداوما توطئه چیدند. نهایتا حمله نظامی به کردستان این روند قدرتمند تر شدن صف آزادیخواهی و تداوم انقلاب با پتانسیل قوی چپ را قیچی کرد. ناگفته نماند حمله نظامی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ خلق الساعه اتفاق نیفتاد. قبل از آن جمهوری اسلامی تعرض به زنان و حقوق زنان، حمله به کارگران بیکار تهران و اصفهان در همان اول ماه قدرت گیری خود در اسفند ۵۷ را سازمان داد. در ادامه در فروردین و بهار ۵۸ جنگ خونین سنج و ترکمن صحرا را سازمان داد. سرکوب و اسلامی کردن دانشگاههای سراسر ایران را در دستور گذاشت. حمله به سازمانهای چپ و رادیکال سراسری را در

حیات سیاسی و اجتماعی مردم کردستان در همان چند ماه به دست آمده بود. در آن مدت کوتاه آزادیهای وسیع سیاسی، اتحاد و تشکل کارگری و توده ای، اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم در اداره امور جامعه و به دست گرفتن سرنوشت خود بخشا از کانال شوراها و نهادهای مستقیما مورد انتخاب و مسلح خود، جنب و جوش وسیع مبارزاتی توده کارگر و زنان و مردان زحمتکش شهر و روستاها، گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی و ارتقاء خودآگاهی طبقاتی و سیاسی و حق طلبانه، تقابل با ارتجاع مذهبی و غیر مذهبی محلی و جنبشها و سنتهای عقب مانده، نقد و افشای هر چند نارسای ناسیونالیسم و حزب دمکرات به عنوان تحزب آن، به میدان آمدن وسیع زنان به عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی، پایان گرفتن عملی ستم ملی و در یک تصویر کلی پایان استبداد و اختناق دیکتاتوری و پایان اعمال حاکمیت از بالای سر مردم ولو کوتاه مدت تجربه شد. اینها دستاوردهایی بود، که ضد انقلاب اسلامی

چهل سال از دستور "جهاد" خمینی جنایتکار علیه مردم کردستان گذشت. جنبش و مبارزات رادیکال و چپ گرایانه مردم در کردستان (و نه یک جنبش همه با هم) در مقطع انقلاب بهمن ماه ۵۷ و در چند ماهه بعد از آن در واقع تداوم مبارزات رادیکال و انقلابی علیه استبداد و ارتجاع تازه به قدرت رسیده و در دفاع از اهداف آزادیخواهانه ای بود که نیروهای آزادیخواه و رادیکال و چپ در سراسر ایران و کردستان در انقلاب ۵۷ مدنظر داشتند. نیروهای آزادیخواه به درست عنوان، "سنگر انقلاب" را بر روی تداوم مبارزه رادیکال مردم در کردستان گذاشته بودند. هدف بلاواسطه و عاجل هجوم نظامی جمهوری اسلامی به دستور خمینی جنایتکار در ۲۸ مرداد ۵۸ و تصرف شهرهای کردستان توسط ارتش و سپاه پاسداران تلاش برای سرکوب این آخرین عرصه سنگر انقلاب مردم ایران و کردستان بود. حمله به دستاوردهایی بود که به همت جنبش رادیکال، آزادیخواهانه و چپ در

چهل سال گذشت!

مرداد ۵۸ و بعد از آن اساسا به ابتکار کمونیستها و کومه له آن وقت ممکن شد. بیانیه "خلق کرد در بوته آزمایش" که توسط رهبری وقت کومه له صادر شد، از نظر من مانیفست و پلاتفرم اولیه شکل دادن به جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه به ابتکار کمونیستها در آن دوره بود. به نظر من اگر قطب چپ و مشخصا کومه له در آن مقطع تصمیم به سازماندهی مقاومت و تداوم مبارزه در ابعاد توده ای و مسلحانه را نمیگرفت، قطب راست و مشخصا حزب دمکرات کردستان به چنین کاری دست نمیزد. این فقط ادعای تحلیلی من نیست، کارکرد حزب دمکرات در مقطع انقلاب ۵۷ وضدیت و کارشکنی او در مقابل مبارزات رادیکال توده کارگر و مردم زحمتکش و برای مقابله با قدرتمند شدن شدن نیروها و ترند چپ و سوسیالیستی در چند ماهه قبل از تهاجم ۲۸ مرداد با دهها فاکت بزرگ سیاسی و اجتماعی که در حافظه جامعه و ما فعالین سیاسی و مبارزین آن

دوره ثبت شده این واقعیت را اثبات میکند. به سهم خود بارها در این مورد نوشتم و اگر لازم باشد این اقعیت را برای نسل جوان و مبارز این دوره دوباره بازگو میکنیم. حزب دمکرات در آن دوره طبق هدف و پلاتفرم شناخته شده ناسیونالیسم کرد در تلاش برای شریک شدن در قدرت سیاسی با حاکمیت اسلامی تازه به قدرت رسیده، با اندک امتیازات سیاسی و فرهنگی بود. بر روی این موضوع مانور میکرد. خود را برای سازماندهی و مقاومت توده ای و مسلحانه آماده نکرده بود، بلکه به آن تحمیل شد. همین جا لازمست تاکید کنم، در بطن تظاهراتهای توده ای علیه رژیم سلطنت و برای سرنوشتی آن و سپس در تداوم مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی جنبش رادیکال و سوسیالیستی میتکرانه و متفاوت و متمایز از جنبش ناسیونالیستی و راست جامعه کردستان در صحنه حاضر بود. از آن دوره تاکنون صحنه مبارزه سیاسی کردستان شاهد عرض اندام دو جنبش متفاوت از هم، در یک طرف جنبش چپ و

سوسیالیستی و در طرف دیگر جنبش راست و ناسیونالیستی است.

لازمست تاکید کنم که سازماندهی مقاومت مسلحانه و مبارزات توده ای در مقابل جمهوری اسلامی، جایگاه بسیار مهمی در سد کردن تعرض افسار گسیخته رژیم برای سرکوب سریع و شتابان سنگر انقلاب و مبارزه مردم کردستان و ایران داشت. تعرض نظامی جمهوری اسلامی بعد از سه ماه شکست خورد. پیروزی برای مقاومت و مبارزه حق طلبانه مردم کردستان و نیروهای سیاسی و مسلح به دست آمد. شکست خمینی و ضد انقلاب به قدرت رسیده در جنگ سه ماهه، بسیاری از توطئه ها و معادلات ارتجاعی جمهوری اسلامی را علیه مردم ایران و کردستان به هم زد. نه تنها در کردستان، بلکه در سطح سراسری هم بار دیگر و به نحو تعیین کننده ای تناسب قوا به نفع جبهه مبارزه علیه رژیم اسلامی و به نفع نیروهای رادیکال و انقلابی چرخید. روند سرکوب انقلاب و بازپس گیری دستاوردهای آن در سطح سراسری به شدت کند

شد. جنبش کارگری و جنبشهای رادیکال اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون و مشخصا نیروهای چپ و سوسیالیست نفسی تازه کردند. فرصت فعالیت و ابراز وجود بیشتر پیدا کردند. این روند تا سرکوب خشن ۳۰ خرداد ۶۰ ادامه پیدا کرد. در خود کردستان بعد از جنگ سه ماهه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی برچیده شد. مردم شهرو روستاهای کردستان در فضایی آزاد، همانند چند ماهه بعد از انقلاب ۵۷ فرصت به دست گرفتن سرنوشت و اعمال مستقیم حاکمیت خود را ولو کوتاه مدت پیدا کرده و دستاوردهای آن دوره که بالاتر به آن اشاره کردم، کاملتر و وسیعتر تجربه کردند.

۲۸ مرداد ۵۸ حاوی پیام بسیار مهم و تعیین کننده ای بود. پیام سازماندهی مقاومت و مبارزه برای آزادی و انقلاب. سازماندهی جنبش و مبارزه متفاوت به دور از محاسبات و معامله گریهای جنبش راست و ناسیونالیستی. پیام ممکن بودن سازماندهی جنبش توده ای و اجتماعی سیاسی و نظامی علیه حاکمیت ارتجاع تازه به قدرت

چهل سال گذشت!

رسیده که به نام انقلاب، سرکوب انقلاب مردم ایران را و یکی از حلقه های مهم تداوم آن یعنی مبارزه مردم در کردستان که پدروست کمونیستها و آزادیخواهان ایران نام "سنگر انقلاب" بر آن نهاده بودند را در دستور داشت. چهار دهه قبل دقیقا به همت و ابتکار کمونیستها و آزادیخواهان کردستان جنبش متمایز و راه متفاوت و امید بخشی پیش پای مردم خواهان تداوم انقلاب و تشنه آزادی و رفاه و سعادت گذاشته شد. اکنون در دوران تعیین کننده و پرتحول کنونی با تجارب بسیار غنی مبارزات رادیکال گذشته و با خودآگاهی و توانایی بیشتری سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه را به عنوان هدف فوری خود باید و میتوانیم متحقق کنیم.

گزارش تکمیلی از دادگاهی کارگران هفت تپه در شوش "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم"

امروز چهارشنبه ۲۳ مرداد در دادگاه شوش، ۱۴ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه محاکمه شدند.

آقایان، مسلم آرمند، امید آزادی، محمد خنیفر، علی بنی سعد، منصور بنی نعامه، فیصل سعالبی، عادل سماعین، رستم عبدالله زاده، عصمت اله کیانی، سید اسماعیل جعاده، قاسم سرخه، حسین انصاری، صاحب زهیری و محمد انصاری، امروز در دادگاه شوش محاکمه شدند.

اتهام درج شده در پرونده عبارت بود از تجمع غیر قانونی در راستای خواست تغییر مدیریت و آزادی اسماعیل بخشی.

کارگران ضمن دفاع از تجمعات خود عنوان کردند که ما از حقوق خود دفاع کرده ایم، بعضی از مطالبات کارگران عبارت است از:

۲ ماه حقوق عقب افتاده و مزایای عقب افتاده، عدم واریز حق بیمه، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین مشکل قرار داد کارگران.

لازم به یاد آوری است این کارگران در ارتباط با تجمع ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۹۸ که تجمع یک ساعته بود، دادگاهی شده اند.

خانم فرزانه زیلابی بعنوان وکیل مدافع جمعی از کارگران هفت تپه، در دادگاه حضور داشت و به دفاع از موکلان خود پرداخت.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه دادگاهی کارگران هفت تپه را محکوم کرده و خواستار پایان دادن به محاکمه کارگران می باشد.

به جای محاکمه کارگران گرسنه که به اشکال گوناگون مورد ستم و استثمار و بی حقوقی قرار می گیرند، چرا صاحبان سرمایه که دست رنج کارگران را چپاول می کنند، محاکمه نمی شوند؟!!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۲۳ مرداد ۹۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه تشکیلات استکھلم حزب حکمتیست

زمین را زیر پای نمایندگان رژیم اسلامی آتش می کنیم!

طبق اعلام رسانه های سوئد، جواد ظریف در روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه جاری به استکھلم سفر می کند. در روزهایی که مدافعان طبقه کارگر در زندانهای رژیم اسلامی اسیر هستند و برای آنها بیدادگاه برگزار می کنند، این فرصت طلایی است که بار دیگر به افکار عمومی سوئد نشان دهیم که یک جنایتکار از طرف رژیم اسلامی به سوئد سفر می کند. [EFP] باید در این روز صدای اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، ساناز الیهیاری و امیر حسین محمدی فرد، امیر امیر قلی، فاطمه رنگرز و هزاران زندانی سیاسی باشیم. نباید اجازه دهیم که رژیم اسلامی اسیرانمان را در چنگال خود نگه دارد و زندانبانان و شکنجه گران آن در این کشورها آزادانه بگردند. تا جایی که در توان داریم نباید بگذاریم آب خوش از گلویشان پایین برود.

از همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، از احزاب و جریانات سیاسی دعوت می کنیم که در این روزها بار دیگر صدای آزادیخواهی و برابری طلبی طبقه کارگر در ایران و مردم زحمتکش آن جامعه باشند.

زمان و مکان تظاهرات در اولین فرصت به اطلاع عموم خواهد رسید.

تشکیلات استکھلم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۶ آگوست ۲۰۱۹

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: رحمان حسین زاده

صفحه آرانی: سیوان کریمی

e.mail:hosienzade.r@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

منشور
کمونیست

جمعه ها

منتشر میشود!

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!